أعوذ بِاللهِ من الشَّیطان الرّجیم

بسم الله الرّحمن الرّحیم

الحمدُ لِله ربِّ العالمین

و صلّی الله علیٰ سیّدنا محمّد و آله الطّاهرین

 روایتی از امیرالمؤمنین علیه السّلام نقل شده است که فرمودند:

لَیسَ العِلمُ فی السَّماءِ فَیَنزِلَ إلَیکُم، و لا فی تُخومِ الأرضِ فَیَخرُجَ لَکُم؛ و لَکِنَّ العِلمَ مَجبولٌ فی قُلوبِکُم. تَخَلَّقوا بِأخلاقِ الرُّوحانیّینَ حتّیٰ یَظهَرَ لَکُم.[[1]](#footnote-1)

«علم در آسمان‌ها نیست تا اینکه به آن صعود کنید، و در زمین نیز نیست تا اینکه آن را در اعماق زمین بیابید؛ بلکه علم در خود شما است و در نفوس شماست. به اخلاق روحانیّین متخلّق شوید تا اینکه از زمرۀ آنها گردید.»

 مسئلۀ اخلاق از مسائل بسیار مهم است، بلکه مهم‌ترین مسئله‌ای است که از دیرباز محطّ نظر بزرگان و علما و متخلّقین به اخلاق حسنه بوده است. بدین لحاظ، بزرگان برای مسئلۀ اخلاق، کتاب‌های مختلف و تألیفات بسیاری به انجام رسانیده‌اند؛ مانند کتاب محجّة البیضاء و هم‌چنین سایر کتبی که از بزرگان در این زمینه آمده

 است و همه تأکید دارند بر عدم کفایت علم بدون تخلّق به اخلاق و عدم کفایت فراگیری و به دنبال علوم و فنون مختلفه رفتن و صرفاً دریچۀ ذهن و نفس را انباشته از علوم و فنون مختلف نمودن.

 لهذا ما می‌بینیم که اولیای الهی و به‌خصوص انبیاء، برای تبدّل اخلاق سیّئه به اخلاق حسنه در انسان مبعوث شده‌اند؛ و این بعثت به معنای حرکت از عالم حیوانیّت و عالم بهیمیّت و عالم شهوات و عوالم نفس و دنیای مادون، و صعود به عوالم ربوبی و صفاتی است که خدای متعال، خود متخلّق به این صفات است. و لهذا کسی که دارای اخلاق حسنه می‌شود، این بدین معنا است که به صفات باری تعالیٰ متّصف می‌شود، که بازگشت آن به مسئلۀ توحید و اصل توحید است؛ و این نهایت حرکت انسان و سیر انسان خواهد بود.

 مرحوم والد ـ رضوان الله علیه ـ از زمان رجوع از نجف به ایران، هم‌چنان‌که خود در سیر و سلوک إلی الله دارای اساتید و برنامه و سیرۀ خاصی بودند و آن را دنبال می‌کردند، هم‌چنین دائماً نسبت به تشکیل مجالس اخلاقی و سوق دادن افراد به وادی توحید و آموختن و تعلیم راه و مرام اولیای دین و ائمّۀ اطهار سلام الله علیهم أجمعین اهتمام کامل داشتند، و در این زمینه به برگزاری و إحیاء مجالس وعظ و سخنرانی به مناسبت‌های مختلف، در مسجد قائم و هم‌چنین در منازل اقدام می‌کردند و شاگردانی در این زمینه تربیت نمودند و بحمد الله و المنّة در این زمینه سعی کافی و بلیغی در رساندن مبانی اخلاقی به افراد ایفاء نمودند. و این مهم با تفسیر آیات قرآن کریم در مسجد قائم و هم‌چنین تفسیر نهج البلاغه و مسائل مختلفۀ دیگر، از جمله مسائل کلامی، در مسجد قائم و در منازل دوستان، رائج و دارج بوده است. کتاب پیش‌رو نمونه‌ای از طرح مبانی اخلاقی از مرحوم والد است که در زمینۀ تفسیر آیات قرآن و هم‌چنین سایر متون دینی و مناسبت‌های مختلف ایراد شده است.

 امیدواریم که همه بتوانند از تراوشات فکری و نفس ملکوتی آن بزرگ، که

 این مطالب با حس و لمس و درک واقع، از دریچۀ نفس آن شخصیّت بزرگ تراوش پیدا کرده است، بهره‌مند گردند.

 و السّلام علیکم و رحمة الله و برکاته

 اوّل رجب المرجّب ١٤٤٠ هجری قمری

 مشهد مقدّس رضوی، علیٰ ثاویها آلاف التحیّة و الثناء

 سیّد محمّدمحسن حسینی طهرانی[[2]](#footnote-2)

1. کلمات مکنونه، ص ٢٤٨، با قدری اختلاف. [↑](#footnote-ref-1)
2. این مقدمه گرانسنگ، آخرین بیانات گهربار عارف بالله و بأمر الله حضرت آیة الله حاج سیّد محمدمحسن حسینی طهرانی ـ رضوان الله علیه ـ می‌باشد که جهت کتاب حاضر بیان نموده و توسط مجمع تحقیق مکتب وحی تدوین گردیده است.

در اینجا خامۀ عنبرآمیز او از فیضان مشک و عبیر باز ایستاد، و بنان جواهر اثرش از نشر لآلی و درر تابناک معارف حقّۀ الهیّه فروماند. قلبی که یک عمر برای اعتلای کلمۀ توحید و تبیین مقام ولایت کلّیۀ الهیّه و دفاع از حریم تشیّع و مبانی اصیل فرهنگ اسلامی می‌طپید، مقارن اذان ظهر روز پنجشنبه بیست و ششم شعبان المعظم سنۀ یک‌هزار و چهارصد و چهل هجریّه قمریّه در عتبۀ مقدّسه حضرت ثامن‌‌الائمّه علیّ بن موسی الرّضا علیه آلافُ التّحیّة و الثّناء از حرکت باز ایستاد.

نفس قدسی‌اش به ندای ﴿ٱرۡجِعِيٓ﴾ لبّیک گفته، ‌سرمست از بادۀ‌ ﴿وَسَقَىٰهُمۡ رَبُّهُمۡ شَرَابٗا طَهُورًا﴾ شاهد وصل را در آغوش کشید و به ریاض قدس ﴿فِي مَقۡعَدِ صِدۡقٍ عِندَ مَلِيكٖ مُّقۡتَدِرِۢ﴾ پرواز نمود؛ رَحمةُ اللهِ علَیهِ رَحمةً واسعةً. [↑](#footnote-ref-2)